

## عنوان مقاله:

معرفت شناسی روان شناختی هستی شناختی سینیوی؛ تبیینی پدیدارشناختی از پیوند بین شوق، آگاهی و معرفت در فلسفه ی ابن سینا

## محل انتشار:

دوفصلنامه حکمت سینیوی (مشکوه النور)، دوره 27، شماره 69 (سال: 1402)

تعداد صفحات اصل مقاله: 28

## نویسندگان:

مجید زمانی علویجه - دانشجوی دکتری رشته فلسفه اخلاق دانشگاه قم، قم، ایران

سید احمد فاضلی - دانشیار گروه اخلاق دانشگاه قم، قم، ایران

## خلاصه مقاله:

اثرگذاری عوامل نا معرفتی بر فرایند شکل گیری معرفت یکی از جدی ترین پرسش هایی است که ذهن معرفت شناسان را به خود درگیر ساخته است. مقصود از عوامل نا معرفتی عوامل روان شناختی، جامعه شناختی و... است که می توانند بر فرایند معرفت اثر داشته باشند. آیا در نفس شناسی سینیوی می توان از اثرگذاری عوامل نا معرفتی بر معرفت سخن به میان آورد؟ بله، در اندیشه ی بوعلی معرفت بیش از هرچیز تحت تاثیر عوامل روان شناختی است؛ او با طرح عامل شوق، و تلاش برای تبیین ارتباط آن با آگاهی، نوعی معرفت شناسی روان شناختی هستی شناختی را پیش می نهد؛ زیرا هم واژه عوامل روان شناختی اثرگذار بر معرفت را هستی شناسانه تحلیل می کند. بوعلی از «شوق موثر بر آگاهی»؛ به عنوان یکی دیگر از عوامل نا معرفتی موثر یاد می کند و از پیوند بین «شوق» و «ادراک»؛ تبیینی هستی شناختی به دست می دهد که وابسته به سرشت «شوق» و «ادراک» است. در این نوشتار با نگرشی پدیدارشناختی روی کرد بوعلی نسبت به عوامل نا معرفتی موثر بر معرفت واکاوی شده و دریافته آمده که: (یک) عوامل نا معرفتی در جهت بخشیدن به آگاهی و روند شکل گیری معرفت اثرگذاراند. (دو) تا زمانی که شوقی پدید نیاید، و یا با احساس امری شوق برانگیز مواجه نشویم؛ حرکتی عینیت نمی یابد، یعنی حرکت پیرو شوق است. شوق سرشت هستی شناختی مستقلی دارد و، نمی توان آن را ذیل نیروهای مدرک یا محرک تعریف کرد. شوق به آگاهی قوام می بخشد و آن را متعین می سازد، و نیروی مدرک را در صدور احکام مرتبط با حسن و قبح یاری می رساند. معرفت شناسی بوعلی خالی از سوبه های طبیعی نیست؛ اما، در این پژوهش با ایوخته ی ابعاد طبیعی، عوامل روان شناختی صرفاً از جهت هستی شناختی ملاحظه شده و از عبارات ابن سینا تفسیری پدیداری به دست داده شده است. تفسیر برگزیده، کیفیت ظهور معرفت و نحوه ی پیوند آن را با عوامل روان شناختی مدنظر قرار می دهد و با اثبات تقدم نیروی مشوق بر نیروی مدرک، الگویی از معرفت شناسی هستی شناختی روان شناختی سینیوی استنباط شده است.

## کلمات کلیدی:

معرفت شناسی اخلاق، روان شناسی اخلاق، معرفت شناسی روان شناختی هستی شناختی، هستی شناسی ادراک، علم النفس الفلسفی

## لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1941614>

